



«حلقات»

درس ۵

استاد: حجت‌الاسلام و المسلمین علم‌الهدی
آموزشیار: آقای عطایی

در درس‌های پیشین یک از دو شکل استدلال عقلی بر حجیت خبر ثقه، که بر پایه منجزیت علم اجمالی استوار بود تبیین شد. در ادامه به اشکال نقضی از استدلال مذکور و پاسخ آن اشکال پرداخته شد. در انتهای درس گذشته یک اشکال حلی نیز بر استدلال مطرح شده وارد گردید و یک دلیل از دو دلیلی که برای اثبات اشکال حلی مطرح هست تبیین شد. در این درس با مرور اصل اشکال حلی و دلیل مطرح شده بر ای آن - در درس گذشته - یک دلیل دیگر نیز برای اثبات این اشکال مطرح خواهیم کرد.

لازم به ذکر است در ابتدای درس، ایرادی به پاسخ مرحوم آخوند خراسانی از اشکال نقضی مطرح خواهیم کرد.

و ذلك:

أولاً - لأن هذا العلم لا يوجب لزوم العمل بالأخبار المتكفلة للأحكام الترخيصية لأن العلم الإجمالي انما يكون منجزاً، و م لزمناً في حالة كونه علماً إجمالياً بالتكليف لا بالترخيص بينما الحجية المطلوبة هي حجية خبر الثقة بمعنى كونه منجزاً إذا أنبأ عن التكليف، و معذراً إذا أنبأ عن الترخيص.

و ثانياً - لأن العمل بأخبار الثقات على أساس العلم الإجمالي انما هو من أجل الاحتياط للتكليف المعلومة بالإجمال.

و من الواضح ان الاحتياط لا يسوغ ان يجعل خبر الثقة مخصصاً لعام، أو مقيداً لمطلق في دليل قطعي الصدور،

یادآوری: در درس گذشته شکل اول دلیل عقلی حجیت خبر واحد که بر اساس قانون منجزیت علم اجمالی بود بیان

شد. نحوه استدلال به این شکل بود که ما اجمالاً می دانیم بسیاری از اخبار ثقات از ناحیه معصوم صادر شده است؛ طبق قانون منجزیت علم اجمالی برای آنکه یقین کنیم به تمام آن اخباری که از ناحیه معصوم صادر شده اند عمل کرده ایم لازم است به تمام اخبار ثقات عمل کنیم و مدلول همه آنها را امثال کنیم.

در مورد این استدلال دو اشکال مطرح شده است:

اشکال نقضی: اگر اطراف علم اجمالی حاصل از اخبار ثقات به دلیل منجزیت علم اجمالی ، واجب الامتثال باشند باید اطراف علم اجمالی حاصل از مطلق اخبار نیز واجب الامتثال باشند، و این به معنی حجیت اخبار ضعیف است؛ چرا که در بین (مطلق) اخبار، خبرهایی که به واسطه افراد ضعیف نقل شده اند نیز وجود دارد.

پاسخ آخوند خراسانی: علم اجمالی حاصل از مطلق اخبار، (علم اجمالی کبیر) بر اثر علم اجمالی حاصل از اخبار ثقات (علم اجمالی صغیر) منحل می شود؛ بنابراین اطراف آن، وجوب امتثال ندارد. البته این انحلال دو شرط دارد.

شرایط انحلال علم اجمالی کبیر:

شرط اول: اطراف علم اجمالی صغیر نسبت به اطراف علم اجمالی کبیر، اخص مطلق باشد.

شرط دوم: مقدار معلوم به علم اجمالی کبیر، بیشتر از مقدار معلوم به علم اجمالی صغیر نباشد.

اشکال بر پاسخ آخوند:

انحلال علم اجمالی کبیر بر اثر علم اجمالی صغیر، دو شرط داشت که شرط دوم در این بحث محقق نیست؛ زیرا در این بحث تعداد تکالیف معلوم بالاجمال در علم اجمالی کبیر بیش از تعداد تکالیف معلوم بالاجمال در علم اجمالی صغیر است، در حالی که یکی از شروط قاعده انحلال، بیشتر نبودن تعداد تکالیف معلوم به علم اجمالی کبیر از تکالیف معلوم به علم اجمالی صغیر بود.

توضیح اشکال:

علم اجمالی به دست آمده، بر اساس حساب احتمالات است؛ یعنی با محاسبه حساب احتمالات و ضرب کسر احتمال کذب هر خبر ثقة، ما به صدور بسیاری از اخبار ثقات از ناحیه معصوم علم اجمالی پیدا می کنیم.

به این معنا که اگر مثلاً ما ۱۰۰۰ خبر ثقة داشته باشیم، بر اساس حساب احتمالات، احتمال اینکه حتی نیمی از این اخبار ثقات کذب باشند و از ناحیه معصوم صادر نشده باشند با توجه به وثاقت روات، بسیار بسیار ناچیز است؛ به گونه ای که ذهن بشر به این احتمال نا چیز نمی تواند توجهی داشته باشد. بنابراین ما حدود ۵۰۰ الی ۶۰۰ روایت را که اشخاص ثقة نقل کرده اند منسوب به معصوم و صادر شده از لسان او می دانیم.

همین حساب احتمالات در ناحیه اخبار ضعاف نیز وجود دارد. وقتی در مجموعه اخبار ضعاف، حساب احتمالات را بررسی کنیم و احتمال کذب همه آنها را ضرب کنیم، بعید است که بتوان همه اخبار ضعاف را کاذب و غیرصادر از معصوم دانست؛ چرا که ثقه نبودن افراد، به این معنا نبوده است که همه آنچه را از معصوم نقل می کردند کذب و خلاف واقع باشد، بلکه اخبار آنها آمیخته ای از کاذب و صادق بوده است. پس در ناحیه اخبار ضعاف نیز طبق حساب احتمالات می توان علم پیدا کرد که بعضی از آنها از معصوم صادر شده است، البته رقم اخبار ضعاف صادق خیل ی کمتر-مثلاً ده درصد- خواهد بود؛ در حالی که در اخبار ثقات این رقم حدود شصت درصد بود.

حال اگر اطراف علم اجمالی را همه اخبار بدانیم، طبق فرض ۲۰۰۰ خبر ثقات و ضعاف خواهیم داشت که از بین آنها اجمالاً می دانیم ۷۰۰ روایت از معصوم صادر شده است. و اگر دایره علم اجمالی را به اخبار ثقات محدود کنیم، علم اجمالی به صدور ۶۰۰ روایت از معصوم خواهیم داشت. پس شرط دوم از شرایط انحلال علم اجمالی وجود ندارد. باید توجه داشت هر چند تعداد تکالیفی که مثلاً در اخبار ضعاف، اطمینان به قطعی صدور بودن آنها پیدا می شود کمتر از این تکالیف در اخبار ثقات است، ولی اینگونه نیست که تکالیف معلوم بالاجمال در بین مطلق اخبار اعم از ثقه و ضعیف و مساوی با همین مقدار تکالیف در اخبار ثقات باشد.

Sco1: 7: 27

اشکال حلّی به شکل اول از دلیل عقلی

اجرای قانون تنجیز علم اجمالی، حجّیت مطلوبی را که ما به دنبال اثبات آن برای خبر ثقه هستیم محقق نمی‌کند.

دو دلیل برای این ادّعا اقامه شده است که در واقع دو موضوعی هستند که در آنجا منجزیت علم اجمالی نمی‌تواند حجّیتی را برای اثبات خبر ثقه به ارمغان آورد.

مورد اول:

اخبار نافی تکلیف نیز خبر واحد بوده و جزء اخبار ثقات هستند، و از سوی دیگر حجیت در محدوده این اخبار به معنای معذریّت آنهاست، در حالی که قاعده تنجیز علم اجمالی نمی‌تواند معذریّتی را برای این دسته از اخبار اثبات کند.

توضیح: اساساً منجزیت علم اجمالی، صرفاً در جایی است که علم اجمالی به وجود یک تکلیف حاصل شود؛ اما حجّیتی که علمای اصولی به دنبال اثبات آن برای خبر ثقه هستند دارای دو بُعد است : بعد منجزیت که با اخبار مثبت تکلیف، متناسب است و بعد معذریّت که با اخبار نافی تکلیف تناسب دارد.

بنابراین آنچه که با قاعده منجزیت علم اجمالی به دست می آید با آنچه که اصولیون به دنبال اثبات آن برای خبر واحد هستند متفاوت است.

نکته: اخبار نافی تکلیف، همان اخباری هستند که برای اثبات احکام ترخیصیه می‌باشند و مراد از احکام ترخیصیه، اباحه و کراهت و استحباب است. وقتی که یک روایت به عنوان مثال دالّ بر استحباب یک عمل باشد، بالالتزام وجوب و حرمت آن عمل را نیز نفی می‌کند بنابراین نافی نگلیف می‌باشد.

Sco2:17:06

اگر از راه تنجیز علم اجمالی بخواهیم حجیت اخبار مثبت تکلیف را اثبات کنیم، این حجیت به گونه ای نخواهد بود که به این اخبار قابلیت تقیید و تخصیص مطلقات یا عمومات ادله قطعی الصدور را بدهد و این به معنای عدم حصول حجیت مطلوب برای این دسته از اخبار است.

توضیح در چهار مرحله:

۱. عمل به اخبار ثقات بر اساس علم اجمالی، ریشه در احتیاطی دارد که به منظور علم پیدا کردن به خروج از عهده تکالیف معلوم بالاجمال صورت می گیرد؛ پس دلیلی که باعث می شود منجزیت را به علم اجمالی نسبت دهیم و اطراف آن را واجب الامتثال بدانیم احتیاط است.

۲. اگر حکم اثبات شده بر اثر خبر ثقه، (خبر مثبت تکلیف) با عموم و یا اطلاق دلیل قطعی الصدوری که نافی آن حکم می باشد، تعارض پیدا کند دیگر احتیاط اقتضای تنجیز خبر ثقه را نخواهد داشت؛ بنابراین خبر ثقه نمی تواند عموم و یا اطلاق مذکور را تخصیص یا تقیید بزند.

۳. اقتضای احتیاط در علم اجمالی، تنجیز و وجوب امتثال اطراف علم اجمالی است؛ اما اقتضای احتیاط در تعارض بین دلیل قطعی الصدور و معلوم الحجج، با دلیل ظنی الصدوری که حجیت شرعی آن ثابت نشده است، کنار نهادن دلیل ظنی و عمل به دلیل معلوم الحجج می باشد؛ به عبارت دیگر تخصیص و تقیید ادله قطعی الصدور با ادله ظنی الصدور خلاف احتیاط است؛ لذا در این موضع دلیل احتیاط موجب جواز عمل به ادله ظنی نمی شود.

۴. اگر در دلیل ظنی الصدوری مثل خبر ثقه، مخصّص یا مقیّدی برای دلیل قطعی الصدور و معلوم الحجج بیان شده باشد و آن خبر ثقه حجت باشد باید این خبر ثقه بتواند دلیل قطعی الصدور را تخصیص یا تقیید بزند. بنابراین عدم جواز تقیید و تخصیص عمومات و مطلقات قطعی الصدور با اخبار ثقات، معنایی غیر از عدم حجیت این اخبار نخواهد داشت.

مثال: فرض کنید دلیل قطعی الصدور بر اثر اطلاقی که دارد دلالت بر اباحه تمام گوشت ها بکند و از طرف دیگر یک خبر ثقه دلالت بر حرمت گوشت خرگوش کند؛ در تعارض بین این دو دلیل، گفته می شود تا وقتی که حجّیت خبر ثقه اثبات نشود نمی توان دلیل مطلق را با آن قید زد؛ چرا که دلیل مطلق، قطعی الصدور و خبر ثقه، ظنی الصدور است.

نتیجه: بنابراین نمی توان بر اساس قانون تنجیز علم اجمالی، حجّیت مطلوب را برای خبر ثقه اثبات کرد و باید ادله دیگری برای این منظور اقامه شود. در غیر این صورت بسیاری از اخبار ثقات، به دلیل اینکه با عمومات نافی تکلیف، در آیات قرآن تعارض پیدا می کنند قابل تمسک نخواهند بود.

Sco3: 27:29

- ۱) پاسخ مرحوم آخوند خراسانی به اشکال نقضی استدلال عقلی بر حجیت خبر ثقه درست نیست؛ زیرا یکی از شرایط انحلال علم اجمالی کبیر به واسطه علم اجمالی صغیر، در این بحث محقق نیست.
- ۲) شرط انحلال که در این بحث محقق نشده این است که باید تعداد تکالیف معلوم به علم اجمالی کبیر از تعداد تکالیف معلوم به علم اجمالی صغیر بیشتر نباشد.
- ۳) اشکال حلی به شکل اول دلیل عقلی به حجیت خبر ثقه این است که اجرای قانون تنجیز علم اجمالی حجیتی را که ما به دنبال اثبات آن برای خبر ثقه هستیم محقق نمی‌کند.
- ۴) دلیل اول بر اشکال حلی: قاعده تنجیز علم اجمالی نمی‌تواند معذرت را برای اخبار نافی تکلیف اثبات کند.
- ۵) دلیل دوم بر اشکال حلی: قاعده تنجیز علم اجمالی نمی‌تواند حجیت اخبار مثبت تکلیف را اثبات کند.
- ۶) علت اینکه علم اجمالی را منجز دانسته و اطراف آن را واجب الامثال می‌دانیم، احتیاط کردن برای خروج از عهده تکالیف است.
- ۷) احتیاط، مجوز تخصیص یا تقیید دلیل قطعی‌الصدور و معلوم الحجج به واسطه خبر ثقه نیست.
- ۸) رفع ید از دلیل معلوم الحجج (تخصیص یا تقیید زدن آن) جائز نیست مگر به سبب حجت دیگری.
- ۹) مادامی که حجیت خبر ثقه با دلیل شرعی اثبات نشود نمی‌توان با آن، دلیل قطعی‌الصدور را تخصیص زد.